

تبليغات بيلبورد

٩١ ٢٠٧ ٢٠٧ ٩١

www.billboard.mba

جول اوستين

آمادگی در مسیر

جول اوستين

آمادگی در مسیر رسیدن به هدف

بillerd

اگر روی گذشته تمرکز کنید جایی که هستید گیر میکنید.
دلیل اینکه افراد زیادی احساس خوشبختی نمیکنند همینه.
چون دارن تمام این افکار منفی رو از گذشته با خودشون
حمل میکنند.

ثبت آگهی رایگان در بیلبورد

www.billboard.mba

billerd

جول اوستین

آمادگی در مسیر

من می خواهم امروز در مورد «آمادگی در مسیر» صحبت کنم.

وقتی که من و ویکتوریا متوجه شدیم که ویکتوریا پسر اولمان «جاناتان» را حامله هست، خیلی هیجان زده شدیم. با والدینمان تماس گرفتیم، به دوستان مان گفتیم. بعد از چند هفته شروع کردیم با هم اتاق کودک را آماده کردیم، مبلمان را جا به جا کردیم، تمام چیزی که می توانستیم در موردش فکر کنیم این بود که این بچه در راه است.

اما شش ماه بعد پاهای ویکتوریا شروع به ورم کردن کرد، کمرش شروع به درد گرفتن کرد، شب ها نمی توانست خوب بخوابد، بعضی از صبح ها حالت تهوع داشت.

ما پیش دکتر برگشتیم و گفتیم: دکتر، برای ویکتوریا مشکلی پیش آمده است. او کلی وزن اضافه کرده است، پاهایش ورم کرده است، او راحت نیست، می شود چیزی به ما بدهید تا خوب شود؟

گفت: نه! متأسفم. تمام این ها بخشی از مسیر است. اگر می خواهید بچه به دنیا بیاورید باید دوره ای از ناراحتی را سپری کنید.

جول اوستین

آمادگی در مسیر

تبليغات بيلبورد

۹۱ ۲۰۷ ۲۰۷ ۹۱

www.billboard.mba

شاید شما از اضافه وزن پیدا کردن خوشتان نیاید، اما این لازم است، با این کار برای آن چیزی که دارد می آید، فضا ایجاد می شود.

پاهایتان ممکن است ورم کنند، کمرتان ممکن است درد بگیرد. **ناراحتی هست ولی غیرمعمولی نیست**، بدون این مسیر شما آماده نخواهید شد.

اصول مشابهی در زندگی وجود دارد. همه‌ی ما رؤیاهایی داریم که خداوند در قلبمان قرار داده است، اهدافی که ما می خواهیم آن را عملی کنیم. ما می دانیم که در مسیر دستیابی به هدف هستیم اما اغلب از مسیر نامید می شویم.

بیشتر از آن چیزی که فکر می کنیم، طول می کشد، ما شکست های سختی داشته ایم، ما ضرر کرده ایم، کسی کار اشتباهی با ما کرده است، ما فکر می کنیم که نمی تواند درست باشدمن ناراحت هستم، اما مانند حاملگی این جزئی از مسیر است.

سراغ هرچیزی که می روید هر درگیری، هر نامیدی، هر تأخیری، اگر **نگرش درستی** داشته باشید و آن را حفظ کنید آنگاه نیرویی در شما ذخیره می شود، شما را قوی تر می کند، شخصیت

جول اوستین

آمادگی در مسیر

شما را رشد می دهد و باعث پیشرفت و بزرگ شدن شما می شود.

نکته این جاست که قبل از هر چیزی باید خودتان را آماده کنید.

بین زمانی که خداوند رؤیا را در قلب شما قرار می دهد و زمانی که آن رؤیا تحقق می یابد، **یک**

دوره‌ی آماده سازی وجود خواهد داشت.

فقط به خاطر اینکه شما خواسته خود را اعلام کرده اید به این معنی نیست که وعده شما عملی خواهد شد.

این **بستگی به ما دارد** که امتحان را قبول شویم. باید دوران سخت را بگذرانیم، فصل های ناراحتی، زمان های تنها یی، وقتی که ما آن را درک نمی کنیم، در حالی که کار درست را انجام میدهیم ولی پیشرفتی نمی کنیم. این همان زمانی است که افراد زیادی دست از رؤیاها یشان می کشند. آنها در مسیر هدف بودند و خواسته خود را اعلام کرده بودند اما چون **نمی خواستند** مسیر آماده سازی را بگذرانند هیچوقت به خواسته خود دست نیافتدند و لحظه موعود را ندیدند.

جول اوستین

آمادگی در مسیر



در کتاب مقدس داود انتخاب شده بود تا در سن ۱۷ سالگی پادشاه بعدی اسرائیل باشد.

حضرت سلیمان به خانه آنها سفر کرد و داود را از بین تمام برادرانش انتخاب کرد، روغن روی سرش ریخت، داود هیجان زده شده بود، آن یک لحظه سرنوشت ساز بود.

اما نکته جالب این است که بعد از اینکه داود انتخاب شد بعد از اینکه به او این قول باورنگردنی داده شد، داود کجا رفت؟ به قصر؟ تا لباس های سلطنتی اش را بگیرد؟ تا کارکنان جدیدش را ببیند؟

او به زمین چوپانی برگشت، او انتخاب شده بود ولی هنوز منتصب نشده بود.

فهمیده بود که **در حال دستیابی به هدفی** است اما ابتدا باید از **مسیر آماده سازی** عبور می کرد باید از امتحان انجام دادن وظایف پست سر بلند بیرون می آمد.

محافظت کردن از گوسفندان پدرش، غذا دادن هر روزه به آنها، مدفوع آنها را جمع کند، بوی بدی حس کند. او تنها بود به نظر ناعادلانه می رسد.

برادرانش که توسط حضرت سلیمان انتخاب نشده بودند در ارتش بودند، آنها موقعیتی با اعتبار

جول اوستین

آمادگی در مسیر

داشتند همه به آنها نگاه می کردند.

داوود می توانست فکر کند که من به زمین چوپانی بر نمی گردم، من پادشاه بعدی هستم اما

داوود **این قانون** را درک کرده بود.

او باید زمانی که هیچ چیز هیجان انگیزی نیست به خداوند نشان می داد که **با ایمان** است. او

باید امتحان خوب بودن با پادشاه سائل را می گذراند هرچند که سائل حسود بود و سعی می

کرد داود را بکشد.

داوود می توانست بگوید: خدایا، این حقم نیست به او نگاه کن، تو باید ما را نجات دهی من

ناراحت هستم.

به جای آن، داود سال ها **به انجام کار درست** ادامه داد. او در ۱۷ سالگی انتخاب شده بود اما

تا ۳۰ سالگی به تخت پادشاهی نرسید. برای او ۱۳ سال طول کشید تا انتخاب شدنش به لحظه

موعد برسد اما بدون آن ۱۳ سال برای نگه داشتن رفتار خوب انجام دادن کار درست، چشم

پوشی کردن از توهین ها، او برای جایی که خداوند می خواست او را ببرد، آماده نمی شد.

جول اوستین

آمادگی در مسیر

تبليغات بيلبورد

۹۱ ۲۰۷ ۲۰۷ ۹۱

www.billboard.mba

خداؤند می داند که چه چیزی در آینده شما است او می داند که چه چیزی شما را به آنجا می رساند.

شاید شما نفهمید که چرا آنقدر طول کشیده است چرا آنطور که شما فکر می کردید نشد، چرا در فصل تنها ی هستید؟ فصل دلسردی و راکد بودن، اما هر چیزی که به شما بگزارد، برای این بوده که **شما را قوی کند رشد دهد و آماده سازد**.

خداؤند اجازه وجود آن سختی ها را نمی داد

مگر اینکه بخشی از مسیر بوده باشند

بدون آن سختی ها شما نمی توانستید گوهر درونتان را شکوفا سازید. اگر مثل داوود رفتار کنید و سعی نکنید همه چیز را درک کنید و منفی و تلحظ زندگی نکنید، به جای آن به گذراندن امتحان تان ادامه دهید به انجام دادن کار درست ادامه دهید. ببخشید، خدمت کنید، عشق بورزید، آنگاه زمان شما فرا خواهد رسید.

خواسته شما در راه است آنچه خداوند وعده داده است، او آن را به ارمغان می آورد

ثبت آگهی رایگان در بیلبورد

www.billboard.mba



جول اوستین

آمادگی در مسیر

تبليغات بيلبورد

۹۱ ۲۰۷ ۲۰۷ ۹۱

www.billboard.mba

يك روز وقتی که داود در آن زمین چوپانی تنها بود پدرش از او خواست تا برای برادرانش که در میدان جنگ بودند ناهار ببرد.

داود می توانست بگوید: پدر تو حضرت سلیمان را دیدی که من را انتخاب کرد، تو دیدی که من را از بین تمام برادرانم انتخاب کرد و تو از من می خواهی که یک خدمتکار باشم؟ یک تحويل دهنده باشم؟ من که فکر نمی کنم!

اگر داود خیلی از خودش مغروم می شد و نمی خواست به دیگران خدمت کند و از انجام دادن وظایف بی اهمیت شانه خالی می کرد او هرگز به تخت پادشاهی نمی رسید.

اين ها **امتحان هستند** که ما باید آنها را بگذرانیم. با فروتنی پذيرفت که برای برادرانش ناهار ببرد.

وقتی که بزرگترین برادرش او را دید، داود را مسخره کرد یک صحنه‌ی بزرگ راه انداخت و سعی کرد که او را ضایع کند، داود از او چشم پوشی کرد و به انجام دادن کار درست ادامه داد. یکی از آن افراد غذای برادرانش را برداشت داود دید که «کلاییس»، پررنگ ترین فرد اسرائیل

ثبت آگهی رایگان در بیلبورد

www.billboard.mba



جول اوستین

آمادگی در مسیر

است. چیزی در داود قلیان پیدا کرد او گفت: من ترتیب این غول را می‌دهم!

اما اگر داود در جایی که بود با ایمان نبود و کاری را که پدرش از او خواسته بود انجام نمی‌داد هرچند که این کار کوچکی بود ممکن بود سرنوشتیش را از دست بدهد. ممکن بود هرگز کلاییس را نبیند.

این آسان است که فکر کنید: من این کارهای بی اهمیت را انجام نمی‌دهم، من صبر می‌کنم تا کار بزرگی در مسیر من آید کاری تأثیرگذار، آنگاه بر می‌خیزم و بهترینم را ارائه می‌دهم. از کجا می‌دانید که سرنوشت شما به **وظایف کوچکی که خداوند از شما می‌خواهد انجام دهید**

گره نخورده است؟

وقتی شما آن کارهای کوچک را انجام دادید یا شاید گاهی اوقات باید غرورتان را کنار بگذارید و به کسی که زیردست شما هست خدمت کنید، آنگاه درب چیزهای بزرگی که خداوند ذخیره کرده است باز خواهد شد.

آن کارها می‌توانند ناراحت کننده باشند و ما مجبور شویم خودمان را بیش از حد تنزل دهیم،

جول اوستین

آمادگی در مسیر

تبليغات بيلبورد

۹۱ ۲۰۷ ۲۰۷ ۹۱

www.billboard.mba

ما فکر می کنیم که خدایا این حق نیست من بیشتر از آنها تمرین کرده ام، تحصیلات بیشتری دارم، مهارت بیشتری دارم. **فقط امتحان تان را بگذرانید.** این **بخشی از مسیر** است این ها شما را آماده می کنند.

وقتی که من اینجا در لیکوود برنامه تلویزیونی داشتم یک روز شنبه خانومی که گریم پدرم را برای تلویزیون انجام می داد، پودر به صورتش می زد و برای درست کردن موهایش به او کمک می کرد، آن روز نیامد. ویکتوریا آن پشت بود او به پدرم گفت بگذار من این کار را انجام دهم. کسی از او نخواست او خودش قدم جلو گذاشت، او فکر کرد که قرار است فقط همان یکشنبه این کار را انجام دهد اما آن خانم به شهر دیگری رفته بود.

پدرم از این موضوع خیلی خوش آمد و از ویکتوریا خواست تا همیشه او این کار را انجام دهد، اما ویکتوریا هیچ آموزشی در این زمینه ندیده بود. سابقه‌ی او در کسب و کار جواهرات بود. مادرش صاحب مغازه جواهر فروشی با اعتباری بود. ویکتوریا با فروش الماس، یاقوت و با افراد مؤثر و ثروتمند بزرگ شده بود یک کسب و کار سطح بالا.

ثبت آگهی رایگان در بیلبورد

www.billboard.mba



جول اوستین

آمادگی در مسیر

تبليغات بيلبورد

۹۱ ۲۰۷ ۲۰۷ ۹۱

www.billboard.mba

می توانست فکر کند که من نمی توانم یک آرایشگر باشم، می توانست این کار را بی اهمیت ببیند اما وقتی که پدرم از او خواست او دو بار هم در موردش فکر نکرد.

برای سال ها یکشنبه ها به خانه‌ی پدرم می رفت و او را به کلیسا می برد و به او کمک می کرد تا موهايش را درست کند.

او این سال ها در پشت صحنه می گذراند و به پدرم کمک می کرد تا خوب به نظر برسد و هرگز فکرش را نمی کرد که روزی این بالا در مقابل مردم بایستد و کاری کند تا من خوب به نظر برسم.

وقتی شما در پستی ها با ايمان باشيد آنگاه امتحان را قبول می شويد

آنها شما را برای چیزهای بزرگی که خداوند ذخیره کرده است آماده می کنند. شاید شما کاری می کنید که بی اهمیت به نظر برسد شما می دانید که بیشتر از این حرف ها توانایی دارید، اما وظایف کوچک را حقیر نشمارید و ايمان خود را حفظ کنید.

نکته اينجاست که با **نگرش مثبت آن کارها** را انجام دهيد وقتی شما با منفي بودن و شکایت

جول اوستین

آمادگی در مسیر

تبليغات بيلبورد

۹۱ ۲۰۷ ۲۰۷ ۹۱

www.billboard.mba

کردن انجامش دهيد، من نمی توانم در اين شغل بمانم، من از رئیسم باهوش تر هستم،
ما فوق من استعدادي را که من دارم ندارد، اين شاید درست باشد اما دليل اين که خداوند شما
را آنجا قرار داده است که دارد روی شما کار می کند.

اگر شکایت کنید، گير خواهيد کرد اين قرار نیست که همیشگی باشد، این فقط قدمی از کل
مسیر است.

تمام آن سال هایی که داود تنها در زمین چوپانی بود به نظر نمی رسید که اتفاقی می افتد، به
نظر نمی رسید که دارد پیشرفت می کند اما زمانی که کسی حامله است، بچه در درون در حال
پرورش است جایی که هیچکس نمی تواند ببیند.

آن زمان های سختی، وقتی که ناراحت هستید وقتی که شما دارید کارهای درستی انجام
می دهید ولی چیزهای بدی اتفاق می افتد، چیزی دارد **درون شما پرورش می یابد** که شما
نمی توانید آن را ببینید. دارد شما را آماده می کند شما به تولد نزدیک می شوید.

اگر به گذراندن امتحان ادامه بدهیم در زمان مناسب، انتخاب شدنتان به لحظه موعد می رسد.

جول اوستین

آمادگی در مسیر

تبليغات بيلبورد

۹۱ ۲۰۷ ۲۰۷ ۹۱

www.billboard.mba

به همین دليل است که خيلي از افراد هرگز گوهر وجود خود را شکوفا نمي کنند. آنها مسیر را درک نمي کنند خداوند يك رؤيا در قلب شما مي گذارد، او شما را انتخاب مي کند سپس شما را به زمين چوپاني بر مي گرداند، لحظه موعد بعداً ظاهر مي شود.

شما مي دانيد که مي خواهيد آن کسب و کار را راه بيndaزيid، شما برایش انتخاب شده ايد اما او شما را به عقب مي فرستد. به آن کار پاره وقت با يك رئيس بداخللاق و همكارانی که شما دوست نداريد.

شما مي دانيد که مي خواهيد به آن خانه ي جديid اسباب کشي کنيد و وعده اش درون شماست اما او شما را به آن آپارتمان کوچک بر مي گرداند با همسایگان پر سر و صدا و بدون اينترنت. شما مي دانيد که با فرد مناسب ملاقات مي کنيد شما انتخاب شده ايد که خانواده اي سعادتمند داشته باشيد ولی او شما را به آن مكان تنهايی مي فرستد جايی که شما هيج نشانه اي از فرد مناسب نمي بینيد.

اينکه **چگونه در سختي ها واکنش** نشان مي دهيم مشخص خواهد کرد که آيا ما وارد سرزمين

جول اوستین

آمادگی در مسیر

موعد می شویم یا نه؟

در حال حاضر وعده هایی هست که خداوند در درون شما قرار داده است. شما دارای پتانسیل بالقوه فرصت ها، سلامتی و فراوانی هستید، شما انتخاب شده اید، سؤال من این است که آیا

شما مسیر آن را طی خواهید کرد تا به وعده تان برسید؟

آیا این امتحان را می گذرانید وقتی که ناراحت هستید؟ وقتی که به نظر می رسد جواب نمی دهد؟ وقتی نمی توانید بینید که چیزی تغییر می کند؟

فقط چون شما نمی بینید که چیزی اتفاق نمی افتد

به این معنی نیست که خداوند کاری نمی کند

شاید شما در ظاهر پیشرفتی نبینید اما در درون، چیزی که مهم است، شما در حال رشد هستید. شما در حال پیشرفت هستید. موضوع **فقط به زمان** بستگی دارد تا شما به خواسته خود برسید. پدرم در سن هفتاد سالگی فوت کرد. او می دانست روزی کشیش کلیسا یی با هزاران نفر خواهد شد.

جول اوستین

آمادگی در مسیر

تبليغات بيلبورد

۹۱ ۲۰۷ ۲۰۷ ۹۱

www.billboard.mba

تا آن زمان در سال ۱۹۳۰ اين موضوع بي سابقه بود اما خداوند اين رؤيا را در نوجوانی به قلبش انداخته بود، برای اين رؤيا انتخاب شده بود اما سال ها طول کشید تا به وعده‌ي موعود برسد. پدر و مادرم در سال ۱۹۰۹ در لیکوود شروع کردند با ۹۰ نفر. آنها در يك فروشگاه متروکه مواد غذائي بودند که يك ساختمان خراب شده بود.

براي سيزده سال لیکوود تقریباً اصلاً رشدی نداشت پدرم تمام تلاشش را می‌کرد. او می‌دانست که **فکرهای بزرگتری درونش** است اما با وجود تمام کارهایی که کرده بود حتی بعد از ۱۰ سال لیکوود هنوز کمتر از ۲۰۰ نفر جمعیت داشت.

او می‌توانست فکر کند که خدایا حتماً من اشتباه از تو شنیدم، من فکر کردم که تو گفتی من کلیسايی با هزاران نفر جمعیت خواهم داشت. **به جای آن به تمام تلاش خود** ادامه داد هر روز با ايمان بود.

در سال ۱۹۷۲، ۱۳ سال بعد مثل اين بود که خداوند دروازه را باز کرده است. مردم شروع به آمدن از تمام شهرها کردند، آنها در آن فروشگاه کوچک مواد غذائي جا نمی‌شدند.

جول اوستین

آمادگی در مسیر

تبليغات بيلبورد

۹۱ ۲۰۷ ۲۰۷ ۹۱

www.billboard.mba

يك تالار کنفرانس برای هزاران نفر ساختند سپس دو هزار نفر و بعد چهار هزار نفر و سپس هشت هزار نفر.

چه اتفاقی افتاد؟ وعده ای که به او داده شده بود به لحظه موعودش رسید. پدرم ايمان خود را حفظ کرد به خاطر اينکه خيلي طول کشide است، اعتراض نکرد. او به خاطر سخت بودن دلسrd نشد، تسلیم نشد.

خيلي وقت ها می دانیم خداوند به ما وعده ای داده است ولی ما از مسیر دلسrd می شویم پیشرفت نکردن را دوست نداریم، استراحت نداشتن، خوب با ما رفتار نکردن. اما در آن زمان های سخت وقتی که وسوسه می شوید تسلیم شوید، شما باید به خودتان یادآوری کنید، مثل خانومی که بچه ای را حامله است که همه‌ی این مشکلات بخشی از مسیر است، شاید این راحت و آسان نباشد اما غیرمعمول نیست.

اگر خداوند این مسیر را حذف کند بچه‌ی شما به دنیا نخواهد آمد شما نمی توانید فرزندتان را متولد کنید.

جول اوستین

آمادگی در مسیر

تبليغات بيلبورد

۹۱ ۲۰۷ ۲۰۷ ۹۱

www.billboard.mba

آن ۱۳ سال پدرم به ندرت رشد و پيشرفتی می دید. آن سالها بسیار مهم بودند. آن سالها، سال های امتحان شدن، سال های اثبات کردن بودند شاید اینطور به نظر برسد که داشت وقتی را هدر می داده.

بدون آن سال های آمادگی، حتی با وجود اینکه به او وعده داده شده بود هرگز لحظه‌ی موعود را نمی دید.

از مسیر فرار نکنید مسیر چیزی نیست که بر علیه شما کار کند بلکه آن برای شما کار می کند، آن شما را آماده می کند.

فرض کنید که یک خانم حامله بگوید: حالا من نمی خواهم دیگر وزن اضافه کنم، من نمی خواهم از این لباس ها خارج شوم، این طوری نمی شود. اگر ما نخواهیم که مسیر را طی کنیم بچه ای نخواهیم دید.

اهدافی وجود دارد که خداوند می خواهد شما به آنها تحقق ببخشید. اهدافی بزرگ، اهدافی خاص اهدافی خارج از حد معمول. او شما را برای آن انتخاب کرده است لحظه موعود همین

جول اوستین

آمادگی در مسیر

الان در آینده شما قرار گرفته است.

من از شما می خواهم که سهم کار خودتان را انجام دهید و بخواهید که از مسیر بگذرید اجازه ندهید نامیدی ها شما را منصرف کند. اجازه ندهید که تأخیرها شما را متلاعند که آن اتفاق نخواهد افتاد. فکرهایی که به شما می گویند پیشرفت نمی کنید را باور نکنید. اجازه ندهید نامیدی جلوی پیشرفت شما را بگیرد شما این همه راه نیامده اید که حالا بایستید، شما به لحظه موعود نزدیک تر از آن هستید که بخواهید تسلیم شوید. دقیقاً قبل از به دنیا آمدن بچه سخت ترین لحظات است.

کتاب مقدس می گوید: مسیح صلیب را تحمل کرد با نگاه کردن به لذت موعودی که در راه بود. روشی که درد را تحمل کرد این بود که او می دانست که آن بخشی از مسیر هست. او می دانست که آن همیشگی نیست قرار نبود روی صلیب بماند، او با نگاه کردن به لذت موعودی که داشت می آمد ادامه داد.

جول اوستین

آمادگی در مسیر

من چه می گویم؟

در زمان های سخت هم به لذت بردن ادامه دهید.

وقتی زندگی شما را در مشکل می اندازد و بیشتر از آن چیزی که فکر می کردید طول کشید،

به خودتان یادآوری کنید که این موقتی است و تمام آن بخشی از مسیر است.

مسیح به آینده نگاه کردن ادامه داد به لذت موعودی که داشت می آمد.

به عقب نگاه نکنید، زانوی غم بغل نگیرید، به آینده نگاه کنید لذت موعودی دارد می آید.

فرد مناسب دارد می آید، رؤیا دارد می آید، رسیدن به مؤقت در راه است.

نکته این جاست که وقتی شما آماده شدید آنگاه ناگهان خداوند شما را به سوی سرنوشت تان

سوق می دهد. مسائل را سریع تر از آنچه فکرش را بکنید جلو می برد.

پدر من آن ۳۰ سال را تنها برای آمادگی صرف کرد، پیشرفت چندانی نداشت ولی وقتی که

آن امتحانات را گذراند وقتی که به خداوند نشان داد که از چه ساخته شده است، او پیشرفت

ناگهانی داشت خداوند او را به مرحله بعدی پرتاب کرد.

جول اوستین

آمادگی در مسیر

با فکر کردن به اینکه شما عقب افتاده اید دلسرب نشود.

جول من دارم برای مدت طولانی کار درست را انجام می دهم من خیلی باید جلوتر باشم

دوستان و همکارانم از من جلو زده اند...

نگران نباشید زمان شما فرا خواهد رسید. وقتی که زمان مناسب تحقق خواسته های شما فرا برسد چیزهای **غیرطبیعی** رخ می دهند، پیشرفت غیرطبیعی، رشد غیرطبیعی و رحمت غیرطبیعی.

خداآند می داند که چگونه زمان از دست رفته را جبران کند او می تواند شما را به جایی که خودتان نمی توانید بروید سوق دهد.

برای ۴۰ سال لیکوود شمال شرقی شهر بود جایی که فروشگاه کوچک مواد غذایی بود. برای خیلی از آن سال ها ما در ساختمان های فلزی بودیم، امکانات کودکان به طور موقت در یک خانه کوچک چوبی بود.

بعضی از افرادی که من با آنها بزرگ شدم طوری به ما نگاه می کردند، فکر می کردند که ما

جول اوستین

آمادگی در مسیر

عقب افتاده یا قدیمی هستیم، نمی توانیم که پیشرفت کنیم.

وقتی شهر نهايتاً به سمت غرب پيش رفت، منطقه اي که ليکوود آن جا بود شرایط خيلي خوب پيش نمی رفت. منطقه صنعتی شد و باید تخریب می شد اما شرایط و محیط پیرامون شما نمی تواند تأثیری در رسیدن شما به خواسته **دان** داشته باشد.

خداوند توانایی هایی در شما قرار داده است که از چیزی که در حال حاضر هستید بزرگتر هستند.

خداوند داود را انتخاب کرد تا پادشاه باشد. او در قصر نبود، در زمین چوپانی بود، تمام چیزهایی که می توانست ببیند شن، سنگ و گوسفند بود. محیط اطراف شما، سرنوشت شما را مشخص نمی کند.

جایی که شما هستید نمی تواند کاری را که خداوند می تواند انجام دهد محدود کند. وقتی که نوبت شما رسید وقتی که مسیر آماده سازی را طی کردید، آماده **پیشرفت ناگهانی** شوید آماده باز شدن درهایی شوید که شما نمی توانستد باز کنید.

جول اوستین

آمادگی در مسیر

این همان اتفاقی است که با لیکوود افتاد.

بعد از اینکه سال ها در ساختمان های فلزی بودیم، ساختمان های موقت، نگاه های تحقیرآمیز، ناگهان یک روز خداوند به ما مرکز کامپک را داد این مکان ما را ۰۰ سال به جلو حرکت داد، نه فقط از نظر امکانات بلکه در احترام، اعتبار و تأثیرگذاری.

از طولانی شدن زمان آماده سازی دلسرب نشود، به خاطر اینکه در مکان مناسبی نیستید دست از بهترین بودن تان بر ندارید.

دوستان تان از شما جلو زده اند آنها ازدواج کرده اند ولی شما هنوز مجرد هستید، آنها در خانه جدید زندگی می کنند ولی شما در خانه‌ی قدیمی تان هستید. به انجام دادن کار درست ادامه دهید لحظه موعود شما فرا خواهد رسید.

در طول مدت زمان آماده سازی شاید شما پیشرفت زیادی نبینید، مثل پدر من در آن سیزده سال او پیشرفت چندانی ندید امکانات همیشه حداقل بود اما در یک نقطه، شما به جایی می رسید که خداوند می گوید بسیار خوب تو آماده شدی! امتحانات را گذراندی تو سهم خودت را

جول اوستین

آمادگی در مسیر

تبليغات بيلبورد

۹۱ ۲۰۷ ۲۰۷ ۹۱

www.billboard.mba

انجام دادی، حالا اجازه بده من سهم خودم را انجام دهم بگذار تو را به طور ناگهانی به سمت هدفت سوق دهم.

آن وقت است که برکت خیلی زیادی را خواهید دید شما شتاب را خواهید دید.
این باید سال ها طول بکشد ولی خداوند شما را سوق می دهد و در مدت زمان کوتاهی اتفاق می افتد.

من معتقدم که خیلی از شماها هم اکنون در نزدیکی پیشرفت ناگهانی هستید، شما امتحان را گذرانده اید، شما کار درست را در زمان سختی انجام داده اید، حال برای مراحل جدید آماده شوید، برای شتاب گرفتن آماده شوید، برای لطف و رحمتی که ندیده اید آماده شوید.

یک گیاه چینی به اسم «بامبو چینی» وجود دارد این گیاه برای چهار سال اول به ندرت بالاتر از سطح زمین رشد می کند. شما به سختی می توانید ببینید که چه چیزی اتفاق می افتد اما در زیر زمین جایی که شما نمی توانید ببینید او دارد یک سیستم انبوه از ریشه را توسعه می دهد. در سال پنجم وقتی که ریشه ها محکم جای گرفتند گیاه به سرعت به اندازه ۲۴ متر رشد

جول اوستین

آمادگی در مسیر

می کند، از صفر تا ۲۴ متر فقط در یکسال.

اما چیزی که سال پنجم را امکان پذیر می کند آن چهارسال آماده سازی است. بدون آن سال های رشد در زیر زمین هیچ رشدی در بالای سطح زمین نخواهد بود.

مثل این گیاه، شاید شما پیشرفته نبینید، شما از خودتان می پرسید که چرا خداوند کاری نمی کند؟

شما تمام تلاش تان را کرده اید ولی مؤقتی نمی بینید، فکر می کنید پیشرفته نمی کنید. اما آن چیزی که شما نمی توانید ببینید درون شماست که ریشه هایتان دارند پایین می روند.

در زمان مناسب، وقتی خدا بداند شما آماده اید شما وارد سال پنجم زندگی تان می شوید، جایی که ناگهان رشد سریعی پیدا می کنید، ناگهان از بستر بیماری نجات پیدا می کنید، ناگهان سلامتی تان بر می گردد ناگهان فرد مناسب را ملاقات می کنید.

اما نکته این جاست که شما باید مشتاق باشید تا این مسیر را طی کنید. ما نتیجه‌ی سال پنجم را می خواهیم بدون آن که چهار سال آماده سازی را بگذرانیم، اما بدون آن سالها برای توسعه

جول اوستین

آمادگی در مسیر

تبليغات بيلبورد

۹۱ ۲۰۷ ۲۰۷ ۹۱

www.billboard.mba

شخصیت مان و ثابت کردن ایمان مان به خداوند و بدون انجام دادن کار درست وقتی که

ناراحت هستیم، آن پیشرفتی که باید را نمی بینیم.

گاهی اوقات ما فکر می کنیم که خدایا من حاضرم، آماده شده ام و دارم کار درست را انجام

می دهم اما فقط خداوند می داند که شما را کجا می برد.

شاید از نظر خودتان برای چیزی که در ذهنتان دارید آماده باشید اما هنوز برای آنچه که **خداوند**

در نظر دارد، آماده نیستید.

چیزی که او برای شما برنامه ریزی کرده است **خیلی بزرگتر و هیجان انگیزتر** خواهد بود.

او نه تنها می داند که شما را کجا می برد بلکه می داند چه چیزی لازم است تا شما را آنجا نگه

دارد.

اگر او شما را قبل از اینکه آماده باشید به آنجا ببرد شما نمی توانید آن را کنترل کنید.

در واقع اگر خواسته ما زودتر از زمان مناسب اتفاق بیفتد دیگر برکت نخواهد بود، نفرین

خواهد بود.

۲۵

ثبت آگهی رایگان در بیلبورد

www.billboard.mba



جول اوستین

آمادگی در مسیر

تبليغات بيلبورد

۹۱ ۲۰۷ ۲۰۷ ۹۱

www.billboard.mba

من خانومی را می شناسم که او یک دوقلو را قبل از موعد مقرر به دنیا آورد، وزن هر دوی آنها کمتر از نیم کیلو بود. آنها بیش از یک سال در بیمارستان بودند. یکسری عمل جراحی داشتند خداروشکر آنها خوب شدند.

منظور من این است که وقتی ما زودتر از موعد بچه را به دنیا بیاوریم حتی اگر آسان تر هم باشد این آن چیزی نیست که خداوند می خواهد.

اگر زمان زیادی طول می کشد به سادگی به این معناست که چیزی که قرار است شما تولید کنید خیلی بزرگتر از آنچه خواهد بود که تصور می کنید.

من جایی خواندم که فیل برای دو سال حامله می ماند. چون این حیوان خیلی بزرگ است زمان بیشتری طول می کشد تا بچه فیل بزرگ شود و رشد کند.

فیل ها معمولاً در هر زایمان یک بچه به دنیا می آورند از طرفی یک سگ ۶۳ روز حامله می ماند، بعد از دو ماه می تواند چندین توله سگ به دنیا بیاورد.

۲۶

ثبت آگهی رایگان در بیلبورد

www.billboard.mba



جول اوستین

آمادگی در مسیر

تبليغات بيلبورد

۹۱ ۲۰۷ ۲۰۷ ۹۱

www.billboard.mba

يک داستان اخیراً در خبرها بود که يك «گريت دن» ۱۷ توله به دنيا آورده است فقط با يك زايمان.

حالا فرض کنيد يك سگ و فيل با هم مکالمه اى داشته باشند.

سگ مى گويد: من فكر نمى کنم که تو حامله باشى، من بعد از دوماه زايمان مى کنم تو يه مشکلى دارى!

سگ دوباره و دوباره حامله مى شود هرچند ماه يك بار بچه به دنيا مى آورد.

نژديک به دوسال بعد سراغ فيل مى آيد و مى گويد: من اين بار مطمئنم که حامله نيسنی، من چندين بار تا الان زايمان داشته ام.

فيل مى گويد: نه تفاوت در اينجاست، دليل اينكه تو چندين بار زايمان داشته اى و من هنوز حامله هستم به اين خاطر است که آنچه که در من است توله سگ نيسنی بلکه يك فيل است.

چيزی که من حامله هستم، معمولی نيسنی هرجایي نمى توانی آن را ببینی، من چيز بزرگی را حمل مى کنم، چيزی خاص، به همین خاطر است که زمان بيشرتري طول مى کشد.

جول اوستین

آمادگی در مسیر

تبليغات بيلبورد

۹۱ ۲۰۷ ۲۰۷ ۹۱

www.billboard.mba

شاید خواسته اطرافیان شما برآورده شده باشد آن ها می بینند که رؤیاها یشان فرا رسیده است.

برای آنها خوشحال باشید اما دلیل اینکه برای شما بیشتر طول کشیده این است که مانند آن

فیل خواسته شما معمولی نیست متوسط نیست، رؤیایی که قرار است شما به آن دست یابید

بزرگتر، با پاداش بیشتر و کامل تر از آن چیزی است که تصور کرده اید.

از مسیر دلسرب نشوید، شاید زمان زیادی طول بکشد، این نشانه ای است که خداوند قصد دارد

چیز بزرگی به شما بدهد چیزی شگفت انگیز.

به گذراندن امتحان تان ادامه دهید، وقتی که شرایط سخت است به انجام دادن کار درست ادامه

دهید. از ناراحتی فرار نکنید آنها شما را آماده می کنند آنها بخشی از مسیر هستند.

اگر شما این کارها را انجام دهید من معتقدم و اعلام می کنم که شما انتخاب شده اید و لحظه

ی موعود شما نزدیک است. شما دارید وارد سال پنجم تان می شوید جایی که خداوند به طور

غیرطبیعی شما را به جلو پرتاپ می کند، چون شما آماده شده اید او شما را به سوی کامل کردن

سرنوشت تان سوق می دهد.

۲۸

ثبت آگهی رایگان در بیلبورد

www.billboard.mba



تبليغات بيلبورد

٩١ ٢٠٧ ٢٠٧ ٩١

www.billboard.mba

جول اوستين

آمادگی در مسیر

۲۹

ثبت آگهی رایگان در بیلبورد

www.billboard.mba



تبليغات بيلبورد

.٩١ ٢٠٧ ٢٠٧ ٩١

www.billboard.mba

جول اوستين

آمادگی در مسیر

تو در فرآيند تغيير هستي، پس
بهتر است هم اکنون حس خوبی
نسبت به خودت داشته باشی

بیلبورد

ثبت آگهی رايگان در بيلبورد

www.billboard.mba

٣٠

بیلبورد